

البته مطلب به اینجا ختم نمی‌شود و بی‌ثباتی در عقیده بهاء و تناقض‌گویی و ابهامات در شخصیت سران بهائی بر اهل تحقیق روشن است.

ای کاش! بهائیان «تحرّی حقیقت» کرده، دست از تعصب برمی‌داشتند؛ زیرا تعصب، «هادم بنیان انسانی» است. ای کاش! آنان بر متون بهائی گذری می‌کردند و در این گونه موارد مسیر هدایت را برمی‌گزیدند.



بقای دین اسلام و خاتمیت
حضرت رسول اکرم «صلی الله علیه و آله»

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب
www.adyannet.com

بقای دین اسلام و خاتمیت حضرت رسول اکرم «صلی الله علیه و آله»

«ما كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ محمد، پدر یکی از شماها نیست؛ بلکه او رسول پروردگار متعال و ختم کننده پیغمبران است و خداوند به هر چیزی دانا است.»^(۱)

رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» آخرین فرستاده و رسول پروردگار متعال است. همچنین تعلیمات مقدسه آن حضرت آخرین تعلیمات و کامل‌ترین

۱. احزاب/۴۰.

وظایف و جامع‌ترین دستورها و بالاترین حقایقی است که برای بشر مقرر شده و سعادت و کمال او را تأمین کرده است.

بر این اساس برای مسلمانان چنین مسئله‌ای مطرح نمی‌شود که آیا بعد از پیامبر ما، پیامبر دیگری هم هست یا نیست؛ زیرا با ایمان داشتن به نبوت پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله» منافات دارد؛ همان‌گونه که اگر کسی بگوید من به قرآن ایمان دارم؛ ولی به توحید و به خدا ایمان ندارم، می‌گویند این تناقض است؛ زیرا قرآن، کتاب توحید است و ایمان به آن با ایمان به وحدانیت خداوند برابر است. موضوع ختم نبوت خاتم الانبیاء نیز چنین است؛ یعنی علاوه بر اینکه نص قرآن مجید است، جزو ضروریات دین مقدس اسلام نیز می‌باشد.^(۲)

۲. خاتمیت، مرتضی مطهری، صدرا، ش ۱۳۶۶، ص ۱۲ با اندکی تصرف و تلخیص.

بررسی آیه

خاتم، یعنی «ما یختم به» و چیزی که به وسیله آن پایان داده می‌شود. قراء سبعة، آیه ۴۰ سوره احزاب را از قدیم هم خاتم النبیین خوانده‌اند و هم خاتم النبیین.

اگر آن را «خاتم النبیین» بخوانیم، معنایش واضح و ساده است. «خاتم» اسم فاعل است و به معنای پایان دهنده می‌باشد. خاتم النبیین، یعنی پایان دهنده پیغمبران.

«خاتم» نیز همین معنا و مفهوم را می‌بخشد، به علاوه، مفهوم اضافه‌ای دارد که آن، تشبیه نبوت است به نامه‌ای که پایان می‌یابد و نویسنده آن نامه، مهر خود را در پایان آن نقش می‌زند. پس باز هم مفهوم آن، پایان دادن است؛^(۳) چرا که مهر را در پایان نامه می‌زنند و مهر دلالت بر این دارد که هر چه بعد از آن بیاید، دیگر مورد قبول نویسنده نیست.

۳. همان، صص ۱۷ و ۱۸.

علاوه بر قرآن، موضوع خاتمیت پیغمبر اسلام «صلی الله علیه و آله» در صدها روایت نیز مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است که حدیث متواتر منزلت از آن جمله است. در این حدیث پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» به حضرت علی «علیه السلام» فرمود:

«اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هارون من موسی الا انَّه لانبیّ بعدی؛ آیا راضی نیستی که برای من همانند هارون برای موسی باشی؛ با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست».^(۴)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» نقل شده است که فرمود:

«ایها الناس، انه لانبی بعدی و لا امة بعدکم؛ ای مردم همانا که نه پیامبری پس از من است و نه امتی پس از شما».^(۵)

۴. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۵۴ - ۲۸۹.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۵.

در حدیث دیگری از آن حضرت نیز نقل شده که فرمود:

«ایها الناس، انه لانبی بعدی و لا سنة بعد سنتی؛ ای مردم! همانا که نه پیامبری پس از من و نه سنتی پس از سنت من است».^(۶)

همچنین در چندین خطبه نهج البلاغه و در روایات، ادعیه و زیارات نقل شده از ائمه اطهار «علیهم السلام» بر این مطلب تأکید شده است.

جالب است بدانیم سران بهائی نیز به این مسئله اعتراف کرده‌اند. میرزا حسینعلی نوری، بهاء الله در یکی از آثار خود می‌گوید:

«الصلوة و السلام علی سید العالم و مربی الامم الذی به انتهت الرسالة و النبوة؛ درود و سلام بر سید عالم و تربیت کننده امت‌ها؛ همان که به وسیله او رسالت و نبوت پایان یافت».^(۷)

۶. همان، ص ۱۵.

۷. اشراقات، ص ۲۹۳.

و باز می‌گوید:

«الصلوة و السلام علی الذی به انتهت النبوة و الرسالة و انقطعت نفحات الوحی؛ درود و سلام بر کسی که نبوت و رسالت به او منتهی و وحی به او پایان می‌یابد».^(۸)

اشراق خاوی مبلّغ سرشناس بهائی در کتاب رحیق مختوم به نقل از بهاء الله می‌نویسد: «نبوت به ظهور حضرت رسول ختم گردید».

میرزا حسینعلی نوری با این دو سند، هم ختم رسالت و هم ختم نبوت را تأیید کرده است.

این در حالی است که امروزه مبلّغان بهائی، برای ایجاد شبهه درباره خاتمیت پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله» و اثبات پیامبری بهاء الله می‌کوشند و با توجیهات پوچ و بی‌اساس، همواره به القای تفکرات خود در بین جوانان با ترویج عقاید ضاله این فرقه می‌پردازند.

۸. (مجموعه الواح) بهاء الله، مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران، ۱۳۲ بدیع،

ص ۳۶.